

## رویکرد الگومدارانه به سیره اهل بیت علیهم السلام: پیشینه و پیامد

مهدی مردانی (گلستانی)<sup>۱</sup>

### چکیده

مطالعه و تحقیق درباره سیره اهل بیت علیهم السلام، نیازمند شناخت رویکردها و رهیافت‌های گوناگون به سیره اهل بیت علیهم السلام است. چرا که با شناخت این رویکردها به سیره اهل بیت: می‌توان آرای مرتبط را رصد و مقایسه کرد تا امکان رویارویی منطقی با چالش‌های پیش‌رو فراهم شود. یکی از رویکردهای شاخص درباره سیره اهل بیت علیهم السلام، رویکرد الگومدارانه است. در این رویکرد، سیره به‌مثابه اسوه و الگوی زندگی نگریسته می‌شود و با هدف شناخت روش صحیح زیستن مورد بررسی قرار می‌گیرد. مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی به این پرسش اصلی پاسخ داده است که رویکرد الگومدارانه به سیره اهل بیت علیهم السلام، چه پیشینه تاریخی دارد و پیامدهای نظری آن چیست؟ نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که رویکرد الگومدارانه، دارای سه مرحله تأسیس، تبیین و توسعه است و در دو بخش مفهوم سیره و قلمرو سیره پژوهی اثربخشی دارد.

**کلیدواژه‌ها:** اهل بیت علیهم السلام، سنت، سیره پژوهی، سیره‌شناسی.

۱. استادیار پژوهشکده علوم اسلامی رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی. mahdi\_mardani@islamic-rf.ir

تاریخ پذیرش: ۰۱/۰۸/۱۰

تاریخ دریافت: ۰۱/۰۶/۱۵

## درآمد

در پژوهش‌های مربوط به سیره اهل بیت علیهم‌السلام سه رویکرد مهم کاربرد بیشتری دارد. نخست، رویکرد منبع‌شناسانه که به سیره به عنوان منبع استنباط حکم می‌نگرد؛ دوم، رویکرد روایت‌گرایانه که سیره را به عنوان گزارشی از وقایع تاریخی می‌شناسد و سوم، رویکرد الگومدارانه که از سیره به عنوان اسوه و الگوی زندگی بهره می‌گیرد. رویکرد نخست، در پی دستیابی به احکام تکلیفی است و بیشتر به مباحث فقهی و اصولی سیره اهل بیت علیهم‌السلام نظر دارد؛ رویکرد دوم، به دنبال گزارش سرگذشت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و خاندان ایشان است و بر مطالعات تاریخی تمرکز دارد و رویکرد سوم، به‌گونه صحیح زیستن می‌اندیشد و بیشتر به مباحث تربیتی سیره اهل بیت علیهم‌السلام می‌پردازد. از این‌رو، شایسته است تا از رهگذر توصیف پیشینه تاریخی و تبیین پیامدهای نظری، به تحلیل رویکردهای سیره‌پژوهی پرداخت. شناخت رویکردهای یادشده به مرزبندی اندیشه‌های مختلف کمک می‌کند، جایگاه دیدگاه‌های متعدد را روشن می‌سازد و باورهای پراکنده این حوزه را به طیف‌های مشخص فکری تبدیل می‌کند. لکن آنچه در این مجال مورد بحث قرار می‌گیرد، رویکرد الگومدارانه است که به عنوان یکی از رویکردهای شاخص درباره سیره اهل بیت علیهم‌السلام شناخته می‌شود. نگره‌ای که به سیره همچون الگوی زندگی می‌نگرد و به هدف شناخت روش صحیح زیستن به بررسی سیره اهل بیت علیهم‌السلام می‌پردازد.

رویکرد الگومدارانه به سیره اهل بیت علیهم‌السلام، در عرصه‌های مختلفی کارایی دارد. علوم حدیث و تعلیم و تربیت اسلامی دو عرصه مهمی است که از سیره به‌عنوان نمونه عینی زیست اسلامی بهره می‌گیرند؛ لکن با توجه به خاستگاه دینی این رویکرد و گستره منابع حدیثی، در این پژوهش تنها به عرصه نخست توجه شده‌است. از این‌رو برای نشان‌دادن سیر شکل‌گیری و گوناگونی این رویکرد به بررسی متون و کتاب‌های حدیثی بسنده شده‌است.

## مفاهیم تحقیق

واژه «سیره»، اسم مصدر یا مصدر نوعی از «سیر» است که به ترتیب به معنای رفتار و نوع رفتن است (فیروزآبادی، ۱۴۱۵: ۱۱۹/۲). بیشتر لغت‌شناسان شکل دوم را ترجیح داده و سیره را به معنای نوع رفتن می‌دانند (ابن سیده، ۱۴۲۱: ۵۷۱/۸؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۵: ۱۱۹/۲). بر پایه دیدگاه برخی از صاحبان معاجم، بُن معنایی «سیره» بر استمرار دلالت دارد و واژه «سیر» به معنای جریانی است که شب و روز امتداد داشته باشد (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۱۲۰/۳). بنابراین، واژه «سیره» دارای دو بخش معنایی است؛ یکی حرکت و جریان که از ماده کلمه گرفته می‌شود و دیگری سبک و نوع حرکت که از هیئت کلمه به دست می‌آید. این کلمه در اصطلاح‌نامه‌های حدیثی حضور چندانی ندارد و جز در موارد اندک تعریفی برای آن ذکر نشده‌است. برای نمونه، عبدالمجد غوری در تبیین معنای «سیره» بر دو ویژگی روش و استمرار تأکید کرده و آن را به معنای طریقه‌ای دانسته که رسول خدا در طول حیاتش بر آن

مواظبت می‌کرده است (غوری، ۱۴۲۸: ۴۱۲).

واژه «سنت» در لغت به معنای جریان یافتن و روان شدن است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۶۰/۳). این واژه در اصطلاح روایات، در معنای عمل مستحب، واجب غیر قرآنی، سبک رفتار و مفهوم مقابل بدعت به کار می‌رود (محمدری شهری، ۱۳۹۷: ۳۹/۱). بر این اساس، «سنت» و «سیره» در خصوصیت استمرار اشتراک و در ماهیت و دامنه اختلاف دارند. چرا که، سنت از نظر ماهوی شامل قول، فعل و تقریر معصوم است (مظفر، بی‌تا: ۶۳/۲) و سیره تنها افعال معصوم را در برمی‌گیرد. قلمرو کار بست سنت تنها افعال نبوی است (طباطبایی و حکیم، ۱۳۹۴: ۱۵) در حالی که سیره نسبت به همه معصومان به کار می‌رود. بنابراین رابطه بین سنت و سیره، عموم خصوص من وجه است؛ یعنی در برخی مصادیق (افعال رسول خدا) جمع می‌شوند و در برخی دیگر (اقوال ائمه) افتراق دارند.

«رویکرد»<sup>۱</sup> عموماً به رهیافت، نگرش، جهت‌گیری و روش برخورد ترجمه می‌شود. رویکرد در اصطلاح به معنای «جهت‌گیری نسبت به یک پدیده از جنبه‌ای خاص» (ملکیان، ۱۳۸۰: ۲۷۳)، «انطباق روشی دسته‌ای از دیدگاه که از مبادی مشابه برمی‌خیزد و به اهداف مشترک نظر دارد» (میرباقری، ۱۳۹۸: ۱۸) و «راه و روشی خاص برای رسیدن به هدفی مشخص» به کار می‌رود (کهنتری، ۱۳۹۴: ۱۶). همچنین باتوجه به خاستگاه آن در زبان انگلیسی، در برخی فرهنگ‌نامه‌های انگلیسی به «روش برای انجام کاری یا مواجهه با یک مشکل» (Pearson Education, 2014)، «روش برای رویارویی با چیزی» (Oxford University, 1884) و «برداشتن گام‌های مقدماتی در جهت هدفی خاص» (Noah Webster, 1843) معنا می‌شود. با این همه، باید افزود که اصطلاح رویکرد در تحلیل منطقی، دارای سه مؤلفه محقق، هدف و روش است. یعنی در هر رویکرد، شخصی (الف) برای دستیابی به هدفی (ب) از روشی (ج) بهره می‌گیرد. این ترکیب برای مثال در رویکرد الگومدارانه این چنین نشان داده می‌شود: علامه مجلسی، برای ترسیم الگوی زندگی اسلامی، از روش روایی استفاده می‌کند.

### پیشینه پژوهش

درباره موضوع این مقاله، پژوهش مستقل و مرتبطی انجام نشده است. برخی محققان معاصر به رویکرد الگومدارانه توجه کرده‌اند. برای نمونه، شهید مطهری (۱۳۹۳ش) در کتاب سیری در سیره نبوی با فرق گذاشتن بین دو واژه «سیر» و «سیره»، به تفاوت دو رهیافت تاریخی و روایی در تبیین سیره رسول خدا اشاره می‌کند. طباطبایی (۱۳۹۴ش) در مقدمه کتاب سیره پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم، ضمن بحث از «قواعد استنباط از سیره نبوی»، تأسی به رفتار معصومان را فراتر از استنباط احکام تکلیفی می‌داند و نگاه الگومدار به سیره را از رویکرد فقه‌تفکیک می‌کند. محمدمهدی کامیابی (۱۳۹۸ش) در کتاب الگوبرداری از معصومان علیهم السلام با تحلیل برخی از موانع تأسی به سیره معصومان، به آسیب‌شناسی رویکرد

الگومدارانه می‌پردازد. حامد حسینیان (۱۳۹۳ش) در مقاله «سیره پویا: چالش‌های فراروی عمل به سیره و راه برون‌رفت از آن»، برخی تنگناهای تمسک به سیره اهل بیت علیهم‌السلام را برمی‌شمارد. هادی یعقوب زاده و دیگران (۱۳۹۶ش) در مقاله «تبیین رویکردهای سیره نگاران امامیه به سیره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم» با تکیه بر آثار امامیه، رویکرد روایی را به عنوان یکی از رویکردهای رایج در میان سیره‌نگاران معرفی می‌کند. با این همه، هیچ‌یک از آثار یاد شده به صورت روشمند و متمرکز، به بررسی رویکرد الگومدارانه نپرداخته و پیشینه و پیامد این رویکرد سیره‌پژوهی را بررسی نکرده است.

## تاریخچه رویکرد الگومدارانه

مطالعه تاریخ و تبار یک اندیشه، جزو بایسته‌های پژوهش در هر حوزه مطالعاتی است. آگاهی از تاریخ یک اندیشه، ما را از رخنه‌ها و معایب آن آگاه می‌کند، ابعاد ناپیدای آن را می‌نمایاند، ما را در سنجش آن توانمند می‌سازد و زمینه طرح آرای جدید را فراهم می‌آورد. از این رو، برای شناخت بهتر رویکرد الگومدارانه می‌بایست به صورت‌بندی آن پرداخت و سیر حرکت آن در بستر تاریخ را رصد کرد.

### ۱- تأسیس

نخستین مرحله‌ای که نگاه الگومدارانه به سیره اهل بیت مطرح می‌شود، در قرآن کریم است؛ آنجا که خداوند متعال وجود مقدس پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را به عنوان اسوه معرفی می‌کند و مؤمنان را به پیروی از ایشان فرا می‌خواند: «و لقد کان لکم فی رسول الله اسوه حسنه» (احزاب/۲۱). موضوع تأسی در آیه شریفه، افعال رسول خدا است (طباطبایی، ۱۳۵۲: ۲۸۸/۱۶؛ طبرسی، ۱۴۰۸: ۵۴۸/۸؛ طوسی، بی‌تا: ۳۲۹/۸) که به ضمیمه خصوصیت «استمرار» که از منطوق آیه استفاده می‌شود (طباطبایی، ۱۳۵۲: ۲۸۸/۱۶)، «سیره» پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را در بر می‌گیرد؛ گو اینکه خداوند متعال سیره رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را اسوه و سرمشق مؤمنان معرفی و آنان را به تبعیت از رفتارهای حضرت دعوت می‌کند. به دیگر سخن، واژه‌گزینی «اسوه» به جای تعابیری چون «سنت» و «سیره» که معمولاً برای انعکاس شخصیت رسول خدا استفاده می‌شود، نشان می‌دهد که کارکرد اصلی سیره ایشان از نگاه قرآن، تأسی و الگوگیری است و قرآن کریم با این تعبیر، نقش اسوگی و الگودهی رسول خدا را در کنار دیگر نقش‌ها و رسالت‌های ایشان برجسته می‌سازد. شایان ذکر است که خداوند متعال در آیه چهار سوره ممتحنه، حضرت ابراهیم علیه‌السلام را نیز به عنوان الگوی نیکو معرفی می‌کند و در حقیقت رویکرد الگومدارانه را به سیره دیگر شخصیت‌های ممتاز دینی عمومیت می‌بخشد.

### ۲- تبیین

دومین مرحله از پیشینه تاریخی رویکرد الگومدارانه، تبیین عترت از این رویکرد است. خاستگاه قرآنی رویکرد الگومدارانه از یک سو، و نقش تبیینی اهل بیت نسبت به آیات وحی (نحل/۴۴) از سوی دیگر

سبب شد تا پیشوایان معصوم به شرح و تبیین رویکرد الگومدارانه بپردازند و عملاً نگاه تأسی جویانه به سیره را تفسیر کنند. در این باره توجه به دو نکته اساسی حائز اهمیت است. نخست آن که رویکرد الگومدارانه در احادیث، نشانه‌هایی دارد که از طریق برخی کلیدواژه‌ها قابل تشخیص است. بر این اساس، می‌توان احادیثی که با رویکرد الگومدارانه صادر شده‌است را به سه دسته مختلف تقسیم کرد: احادیثی که با کلیدواژه «سیره» گزارش شده‌اند، احادیثی که با واژه محوری «اسوه» نقل شده‌اند و احادیثی که با دیگر واژگان وابسته مانند فعل، سنت و مانند اینها روایت شده‌اند. دوم آن که تبیین عترت نسبت به رویکرد الگومدارانه، گونه‌های مختلفی دارد که از یک منظر می‌توان در قالب عناوین ذیل قرار داد: ۱. ضرورت پیروی از سیره اهل بیت، ۲. معرفی الگوهای عملی، ۳. عرصه‌های الگوگیری و ۴. هماهنگی رفتار معصومان. هر یک از این عناوین مصادیقی و نمونه‌هایی دارد که در ادامه بحث می‌آید.

یکی از گونه‌های تبیین عترت نسبت به رویکرد الگومدارانه، بیان ضرورت پیروی از سیره اهل بیت (علیهم السلام) است؛ چه، یکی از عناصر محوری در رویکرد الگومدارانه، عمل‌گرایی و پایبندی به آموزه‌های سیره اهل بیت (علیهم السلام) است. از این رو، پیشوایان معصوم با تأکید بر نقش الگودهی اهل بیت (علیهم السلام)، ضرورت تبعیت از رفتار ایشان را یادآور شدند. برای نمونه، امام باقر (علیه السلام) در رهنمودی به جابر بن یزید جعفی، محبت اهل بیت را بدون عمل به دستورات ایشان بی‌فایده دانسته و بر لزوم تبعیت از سیره معصومان تصریح کرده‌اند (کلینی، ۱۳۶۳: ۷۴/۲). امیرالمؤمنین (علیه السلام) در عبارتی از نامه ۴۵ نهج البلاغه، با ذکر برخی از خصائص رفتاری خود، پیروی شیعیان از پیشوایان خود را جزو وظایف آنان برشمرده‌اند (شریف رضی، ۱۴۱۴: ۴۵). ایشان در فراز دیگری از نهج البلاغه بر جایگاه اسوگی رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) پای فشرده و تأسی به سیره ایشان را لازم دانسته‌اند (همان، ۱۶۰).

گونه دیگر از تبیین رویکرد الگومدارانه، معرفی نمونه‌های عینی الگوگیری است. چنان‌که امیرالمؤمنین (علیه السلام)، حضرت زهرا (علیها السلام) و امام حسین (علیه السلام)، شخصیت‌هایی هستند که در روایات به‌عنوان الگو و سرمشق معرفی شده‌اند. برای نمونه، امیرالمؤمنین (علیه السلام) در فرازی از خطبه ۱۸۷ نهج البلاغه، با تشبیه خود به چراغی فروزان، مردم را به بهره‌گیری از روشنای هدایت‌گرانه خویش دعوت کرده‌اند (شریف رضی، ۱۴۱۴: ۱۸۷). امام حسین (علیه السلام) در خطبه‌ای که برای اصحاب حَرّ ایراد کرد، خود را اسوه و الگوی مؤمنان معرفی کرد (ابومخنف، ۱۴۱۷: ۱۷۲). امام زمان (علیه السلام) نیز در توقیعی که در پاسخ نامه «ابن ابی‌غانم» صادر کرد، حضرت زهرا (علیها السلام) را الگوی نیکوی خویش برشمرد (طوسی، ۱۴۲۵: ۲۸۶).

بیان عرصه‌ها و زمینه‌های الگوگیری، گونه دیگری از تبیین عترت نسبت به رویکرد الگومدارانه است. بهره‌گیری عملی از سیره و کاربست آن در بستر زندگی، نیازمند شناخت عرصه‌ها و صحنه‌هایی است که امکان الگوگیری از پیشوایان دینی را فراهم آورد. از این رو، ائمه (علیهم السلام) با ذکر برخی از حوزه‌های کارآمدی اسوه‌های دینی، به تبیین نقش خویش در ساحت‌های مختلف زندگی پرداخته‌اند. برای نمونه، امام

صادق علیه السلام ضمن تسلی دادن یکی از اصحاب به خاطر از دست دادن فرزندش، تاب‌آوری در مصیبت را یکی از صحنه‌های الگوگیری از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دانستند (کلینی، ۱۳۶۳: ۳/۲۰۴). امام باقر علیه السلام نیز در توصیه صحابی خود به زهد و پارسایی، ساده زیستی را یکی دیگر از عرصه‌های الگوگیری از رسول خدا برشمردند (همان، ۱۳۶۳: ۱۳۷/۲) و امیرالمؤمنین علیه السلام با استناد به سبک زندگی خویش، میانه‌روی در خوراک و پوشاک را زمینه‌ای برای الگوگیری بیان کردند (همان، ۱/۴۱۰).

بیان هماهنگی میان رفتار اهل بیت علیهم السلام از دیگر انواع تبیین عبرت نسبت به رویکرد الگومدارانه است. چه بر پایه مبانی پذیرفته شده، رفتارهای اهل بیت علیهم السلام به‌رغم تنوع و تفاوتی که در مصادیق و جهات صدور دارند، از هماهنگی و هم‌آوایی لطیفی برخوردار است. افعال ایشان از یک منشأ و مشرب واحد سرچشمه می‌گیرد و از یک معیار یکسان (وحی) پیروی می‌کند. از همین رو، ائمه علیهم السلام ضمن اشاره به برخی از ناسازواری‌های ظاهری بین سیره معصومان، بر موافقت و هماهنگی میان سیره پیشوایان تصریح کرده‌اند. برای نمونه، امام صادق علیه السلام، سیره امیرالمؤمنین علیه السلام در جنگ جمل را مطابق سیره رسول خدا در فتح مکه دانسته و به بیان وجوه مشابهت آنها در جهاد با اهل قبله پرداخت (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۲۷۶/۱؛ قمی، ۱۴۰۴: ۳۲۱/۳). نمونه دیگر، هماهنگی رفتار امام سجاد علیه السلام با سیره رسول خدا در ازدواج با طبقه فرودست است. وقتی عبدالملک بن مروان از امام سجاد علیه السلام به خاطر ازدواج با کنیز عمویش خرده گرفت، حضرت ضمن اشاره به اقدام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در ازدواج زید (پسر خوانده خود) با زینب (دختر عمه‌اش)، رفتار خود را مطابق سیره رسول خدا معرفی کرد (کوفی اهوازی، ۱۳۹۹: ۶۰). همچنین توافق و سازگاری رفتار امیرالمؤمنین علیه السلام با سیره رسول خدا در آداب و عادات خوردن و آشامیدن، از دیگر نمونه‌های هماهنگی سیره اهل بیت علیهم السلام است که در فرمایش امام صادق علیه السلام بیان شده است (کلینی، ۱۳۶۳: ۸/۱۶۵).

### ۳- توسعه

سومین و آخرین مرحله از پیشینه رویکرد الگومدارانه، توسعه و ترویج آن است که توسط دو گروه از افراد صورت گرفته است. یکی محدثان که در نامگذاری ابواب کتاب‌های حدیثی، به ترویج رویکرد الگومدارانه پرداختند و دیگری محققان معاصر که با تألیف آثار پژوهشی به بسط و نشر این رویکرد همت گماشتند.

نخستین اقدام در جهت ترویج رویکرد الگومدارانه، استفاده از تعبیر سیره در نام‌گذاری ابواب کتاب‌های حدیثی است. برای نمونه، یکی از محدثانی که به تنظیم موضوعی احادیث توجه نشان داده و به باب‌بندی متون روایی پرداخته است، ابراهیم بن هلال ثقفی (متوفای ۲۸۳) صاحب کتاب الغارات است. وی برای نمایاندن مضمون احادیثی که موضوع غالب آنها رفتار امیرالمؤمنین علیه السلام نسبت به بیت‌المال است، از واژه «سیره» استفاده کرده و این باب را «سیرته فی المال» نامیده است (ثقفی،

۱۳۹۵: ۳۱/۱). او در جای دیگر نیز عنوان «سیرتُهُ فی نَفْسِهِ» را برای احادیثی برگزیده است که گوشه‌ای از سلوک عملی حضرت در امور شخصی را روایت می‌کند (همان، ۵۳/۱). کلینی (متوفای ۳۲۹، ۱۳۶۳: ۴۱۰/۱)، یکی دیگر از محدثان شهیر شیعه است که در نام‌گذاری برخی از ابواب کتاب خود از واژه «سیره» استفاده کرده است. وی در کتاب الکافی بابی را با عنوان «سیرةُ الإمامِ فی نَفْسِهِ وَ فی الْمَطْعَمِ وَ الْمَلْبَسِ إِذَا وَلى الْأَمْرَ» گشوده و چهار حدیث درباره زندگانی زاهدانه معصومان نقل کرده است. طوسی (متوفای ۴۶۰، ۱۳۶۵: ۱۵۴/۶) از دیگر اندیشمندان به‌نام شیعه نیز از واژه «سیره» در عنوان ابواب برخی از آثار خود بهره برده است. برای نمونه، وی نام یکی از ابواب کتاب تهذیب الاحکام را «بَابُ سیرةِ الإمامِ» گذاشته و هفت حدیث درباره سیره نظامی معصومان نقل کرده است. در نهایت مجلسی (متوفای ۱۱۱۰، ۱۳۶۸: ۱۹۴/۱۶) از جمله محدثان بزرگ شیعه است که در نام‌گذاری برخی از ابواب کتاب بحارالانوار از تعبیر «سیره» استفاده کرده است. وی در بیان شرح حال زندگانی برخی از معصومان از واژه سیره استفاده کرده و عناوینی همچون «بَابُ مَکَارِمِ أَخْلَاقِهِ وَ سیرِهِ وَ سُنَّتِهِ وَ مَا أَدَّبَهُ اللَّهُ تَعَالَى بِهِ»، «بَابُ سیرِهَا وَ مَکَارِمِ أَخْلَاقِهَا وَ سیرِ بَعْضِ خَدَمِهَا» (همان، ۸۱/۴۳) و «بَابُ مَکَارِمِ أَخْلَاقِهِ وَ سیرِهِ وَ سُنَّتِهِ وَ عِلْمِهِ وَ فَضْلِهِ وَ إِقْرَارِ الْمُخَالَفِ وَ الْمُؤَلِّفِ بِجَلَالَتِهِ» (همان، ۲۸۶/۴۶) را برگزیده است. دومین اقدام در جهت توسعه رویکرد الگومدارانه، تألیف آثار پژوهشی است. اهتمام به کارکرد عملی سیره معصومان و نیز پاسخگویی به ابهامات پیش‌روی الگوگیری از اهل بیت (علیهم السلام)، از جمله عواملی است که موجب رونق رویکرد الگومدارانه در دوره معاصر شد و زمینه گسترش مطالعات سیره را پدید آورد. در این میان، برخی از موضوعات مربوط به سیره اهل بیت (علیهم السلام) که در تألیفات محققان معاصر انعکاس یافته است، ارتباط و وابستگی بیشتری با رویکرد الگومدارانه دارد. برای نمونه «سبک زندگی اهل بیت» یکی از موضوعات مرتبط با رویکرد الگومدارانه است که مباحث روشی و منطق عملی سیره اهل بیت (علیهم السلام) را پوشش می‌دهد؛ چنان که کتاب سبک زندگی اهل بیت (علیهم السلام): ویژگی‌ها، حجیت، قلمرو (یوسفی مقدم، ۱۳۹۸)، کتاب درآمدی بر سبک بندگی (دلیری، ۱۳۹۲) و مقاله «روش‌شناسی استخراج سبک زندگی از سیره اهل بیت (علیهم السلام)» (کاویانی، ۱۳۹۳)، از جمله آثار پژوهشی مرتبط با این موضوع است.

همچنین «آموزه‌های رفتاری اهل بیت» از دیگر موضوعات مرتبط با رویکرد الگومدارانه است که جنبه‌های عملی و قابل‌تأسی سیره اهل بیت (علیهم السلام) را نشان می‌دهد. کتاب‌هایی مانند حلیه المتقین (مجلسی، ۱۴۲۴)، سنن النبی (طباطبایی، ۱۴۱۶)، سیره نبوی یا منطق عملی (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۳ش) و سیره پیامبر خاتم (محمدی ری شهری، ۱۳۹۴ش)، از جمله آثار پژوهشی است که این حوزه مطالعاتی را پوشش می‌دهد. از سوی دیگر، «چالش‌های الگوگیری از اهل بیت» از جمله موضوعات وابسته به رویکرد الگومدارانه است که محدودیت‌های بهره‌گیری از سیره اهل بیت (علیهم السلام) را بررسی می‌کند. برای مثال، کتاب امکان الگوبرداری از معصوم (کامیابی، ۱۳۹۸ش)، تفاوت مرتبه

معنوی معصومان را می‌سجد، کتاب استنباط حکم اخلاقی از سیره و عمل معصوم (عالم زاده نوری، ۱۳۹۱ش)، اختلاف بین سیره معصومان را طرح می‌کند و کتاب عصری سازی افعال پیامبر ﷺ (مردانی گلستانی، ۱۴۰۱)، محدودیت زمانی بین مخاطب و معصوم را تحلیل می‌کند.

## پیامد رویکرد الگومدارانه

مطالعه سیره اهل بیت ﷺ به مثابه الگوی عملی، نتایج و پیامدهایی دارد که در دو گروه طبقه‌بندی می‌شود. نخست، نتایج کاربردی است که به صورت پایبندی عملی به سیره اهل بیت ﷺ نمایان و موجب امتداد روش و منش ایشان می‌شود. دوم، نتایج نظری است که در قالب مفاهیم و قلمرو پژوهشی می‌گنجد و موجب تمایز رویکرد الگومدارانه از دیگر رویکردهای سیره‌پژوهی می‌شود. آنچه در این مقام مورد بحث قرار می‌گیرد، نتایج نظری است که در ذیل دو عنوان مفهوم سیره و قلمرو سیره‌پژوهی طرح می‌شود.

### ۱- مفهوم سیره

یکی از نتایج رویکرد الگومدارانه، دریافت تعریفی ویژه از اصطلاح «سیره» است. تعریف سیره در رویکرد الگومدارانه با تعریف آن در دیگر رویکردهای سیره‌پژوهی متفاوت است. سیره در رویکرد الگومدارانه به معنای رفتار روشمندی است که استمرار داشته باشد. به واقع، سه عنصر فعل، روش و استمرار مؤلفه‌هایی هستند که عناصر مفهومی سیره را شکل می‌دهند.

اصلی‌ترین عنصر در مفهوم سیره، فعل است؛ چنان که واژه «سیر» که بر رفتن و حرکت کردن دلالت دارد، فعل محسوب می‌شود (فیروزآبادی، ۱۴۱۵: ۱۱۹/۲) و مترادف معنایی واژه «سیره» با «مغازی» نیز نشان از ماهیت فعلی سیره دارد (حجتی، ۱۳۷۱: ۲۹). همچنین عناوینی که مؤلفان کتب حدیثی برای ابواب متون روایی برگزیده‌اند (تقفی، ۱۳۹۵: ۳۱/۱؛ طوسی، ۱۳۶۵: ۱۲۱/۶؛ کلینی، ۱۳۶۳: ۴۱۰/۱) و نیز مصادیقی که در احادیث به عنوان سیره معصومان ذکر شده‌است، خصوصیت فعلی سیره را افاده می‌دهد (برقی، بی‌تا: ۳۲۰/۲؛ کلینی، ۱۳۶۳: ۴۱۱/۱). براین اساس، تنها مواردی جزو سیره اهل بیت ﷺ محسوب می‌شود که نشان دهنده فعل معصوم باشد و از کنش و واکنش غیر قولی ایشان حکایت کند.

دومین عنصر مؤثر در مفهوم سیره، روش است؛ چنانکه هیئت کلمه سیره که مصدر نوعی است و بر چگونگی انجام فعل و گونه وقوع آن دلالت می‌کند، معنای روش را می‌رساند و فحوای برخی از متون روایی نیز روشمند بودن سیره معصوم را افاده می‌دهد (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۲۶۸/۱؛ طبرسی، ۱۳۷۰: ۳۳؛ کلینی، ۱۳۶۳: ۲۷۰/۶). در واقع، رفتاری نشان دهنده منش و سلوک عملی معصوم است که روشمند باشد و از یک رویه خاص پیروی کند؛ زیرا یکی از خصوصیات که موجب تمایز سیره معصوم از رفتار غیر معصوم می‌شود و یا سیره یک معصوم با معصوم دیگر را متفاوت می‌سازد، روش و طریقه‌ای است که



عملکرد معصوم به وسیله آن انجام گرفته است. برای نمونه، سیره پیامبر (ص) در امور شخصی، به دلیل برخورداری از روش ساده‌زیستانه با سیره پادشاهان متفاوت بود (محمدی ری شهری، ۱۳۹۴: ۲/ ۲۱۷) و سیره امیرالمؤمنین (علیه السلام) در تعامل با منافقان به دلیل روش مجاهدانه با سیره پیامبر (ص) فرق داشت (بنی عصار و مردانی، ۱۳۹۳: ۵-۱۷). افزون بر آن، روشمندی یک رفتار، سبب استمرار فعل معصوم می‌شود و آن را از دریاچه تنگ زمان بیرون می‌کشد و بدان امتداد می‌بخشد. برای نمونه در سیره سیاسی رسول خدا (ص) ، گاه حکومت و گاه سبک حکومت ایشان را مطالعه می‌کنیم. حکومت پیامبر (ص) امری تاریخ‌مند است، مکان خاصی دارد و وابسته به موقعیت است، اما سبک حکومتی حضرت امری فرازمانی است و می‌توان از آن قواعد جهان‌شمول استنباط کرد (فیضی، ۱۳۹۷: ۴۰).

سومین عنصر تأثیرگذار در مفهوم سیره استمرار است؛ چنانکه در برخی از کتب لغت، واژه «سیر» به جریان‌هایی که شب و روز امتداد دارد، معنا شده است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۳/ ۱۲۰). همچنین در برخی متون روایی شیعه، به ایستادن نبودن «سیره» و تداوم رفتار معصوم تصریح و با عبارت ترکیبی «کان + فعل مضارع» (کلینی، ۱۳۶۳: ۸/ ۱۶۵)، «مازال» (تقفی، ۱۳۹۵: ۱/ ۵۴) و دیگر ادوات استمرار (مهریزی و میر، ۱۳۹۳: ۳۹-۴۵) نشان داده شده است. افزون بر آن، ویژگی استمرار سبب امتداد اجتماعی سیره اهل بیت (علیهم السلام) می‌شود و بدان قابلیت الگوگیری می‌بخشد. البته این نکته به معنای لزوم تکرار فعل معصوم نیست و مفهوم سیره با انجام یکباره فعل نیز تحقق می‌یابد. چرا که اساساً بین دو واژه «تکرار» و «استمرار» تفاوت وجود دارد؛ تکرار به معنای انجام چند باره فعل و استمرار به معنای دوام و امتداد فعل است (فیومی، ۱۴۱۴: ۲/ ۵۳۰، ۵۶۸). مطالعه برخی از نمونه‌های عینی سیره اهل بیت (علیهم السلام) نشان از رخداد واحدی دارد که در عین یکبارگی، قابل امتداد است؛ چنانکه رفتار امیرالمؤمنین (علیه السلام) با اصحاب جمل اگرچه یک بار به وقوع پیوسته است، اما منش و روش حضرت در آن رفتار، به گونه‌ای بوده که بدان امتداد بخشیده و آن را قابل تأسی کرده است (کلینی، ۱۳۶۳: ۵/ ۳۳).

## ۲- قلمرو سیره پژوهی

یکی دیگر از پیامدهای رویکرد الگومدارانه، تعیین محدوده مطالعات سیره است. رویکرد الگومدارانه سبب مشخص شدن قلمرو سیره‌پژوهی و تمایز آن با دیگر رویکردهای سیره‌پژوهی می‌شود. درباره قلمرو کارایی سیره معصومان دو انگاره مختلف وجود دارد که مرز بین رویکردهای سیره‌پژوهی را مشخص می‌کند. یکی نگاه حداکثری و باور به دینی بودن همه افعال معصوم و دیگری نگاه حداقلی و اعتقاد به دینی بودن بخشی از رفتارهای معصوم است (مردانی گلستانی، ۱۳۹۸: ۱۱۷). رویکرد الگومدارانه در دسته نخست قرار دارد و همه شئون معصوم و تمام ساحت‌های زندگی ایشان را در بر می‌گیرد. یعنی، هنگامی که در مقام تأسی به سیره معصوم قرار می‌گیریم، تمامی مراتب زندگانی معصوم اعم از فردی، اجتماعی، سیاسی و مانند اینها برای مخاطب رهنمود داشته و برای الگوگیری و بهره‌گیری عملی به کار

می‌آید. در این خصوص، مفاد روایات اهل بیت علیهم‌السلام، عناوین ابواب کتاب‌های حدیثی و نیز دیدگاه برخی از اندیشمندان اسلامی، از جمله قراین و نشانه‌ها است.

یکی از قراینی که بر گستره کارکرد سیره اهل بیت علیهم‌السلام دلالت می‌کند، روایاتی است که عرصه‌های مختلف زندگی معصوم را جزو حوزه کارایی سیره ایشان برمی‌شمارد. برای نمونه «زندگی فردی» از جمله زمینه‌هایی است که به عنوان حوزه کارآمدی سیره اهل بیت علیهم‌السلام معرفی شده است. چنان‌که، امام صادق علیه‌السلام در توصیف شباهت سیره امیرالمؤمنین علیه‌السلام به رسول خدا، به برخی ویژگی‌های فردی ایشان همچون خورد و خوراک اشاره می‌کند (کلینی، ۱۳۶۳: ۱۶۵/۸) و امام باقر علیه‌السلام در بیان برخی از مصادیق سیره عملی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، از بهداشت دهان ایشان مثال می‌آورد (ابن بابویه، ۱۳۶۳: ۵۳/۱). «زندگی عبادی» از دیگر زمینه‌های کارکرد سیره اهل بیت علیهم‌السلام است که در کلمات معصومان مورد تأکید قرار گرفته است. چنان‌که امام صادق علیه‌السلام در تشریح آداب نماز شب به سیره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم استناد می‌کند و از نحوه رفتار ایشان در عبادت شبانه با عنوان اسوه یاد می‌کند (کلینی، ۱۳۶۳: ۴۴۵/۳). همچنین، «زندگی اجتماعی» از دیگر زمینه‌های کارآمدی سیره اهل بیت علیهم‌السلام است که توسط معصومان مورد اشاره قرار گرفته است. یادکرد امام حسن علیه‌السلام از سیره رسول خدا در معاشرت با احباب (ابن بابویه، بی‌تا: ۳۱۹/۱) و استناد امام رضا علیه‌السلام به سیره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در مشورت گرفتن از اصحاب (برقی، بی‌تا: ۴۳۷/۲)، از جمله نمونه‌های مربوط به این حوزه است. از سوی دیگر، «زندگی اخلاقی» عرصه دیگری است که به عنوان حوزه کارایی سیره اهل بیت علیهم‌السلام معرفی شده است. چنان‌که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از رفتارهای متواضعانه خود با عنوان سنت (سیره) یاد کرده است (ابن بابویه، بی‌تا: ۸۱/۲) و امیرالمؤمنین علیه‌السلام در توصیه مردم به زهد و ساده‌زیستی به سیره عملی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مثال زده است (شریف رضی، ۱۴۱۴: ۱۶۰).

در همین راستا، عناوینی که صاحبان آثار برای ابواب کتاب‌های حدیثی برمی‌گزینند، قرینه دیگری است که گستره قلمرو سیره‌پژوهی را نشان داده، تنوع موضوعی سیره اهل بیت علیهم‌السلام را نمایان می‌سازد (ثقفی، ۱۳۹۵: ۳۱/۱؛ طوسی، ۱۳۶۵: ۱۲۱/۶؛ کلینی، ۱۳۶۳: ۱۰/۱). همچنین دیدگاه موافق برخی از اندیشمندان، گواه دیگری بر تمایز قلمرو سیره‌پژوهی در رویکرد الگومدارانه است. چنان‌که سید مرتضی (علم‌الهدی، ۱۳۷۶: ۱۰۱/۲)، طوسی (۱۴۱۷: ۵۷۳/۲) و نراقی (۱۳۸۸: ۳۰۸/۱) از جمله بزرگانی هستند که قایل به توسعه کارآمدی سیره اهل بیت علیهم‌السلام بوده و همه رفتارهای معصوم را مانند قول ایشان، معیار تأسی و الگوگیری می‌شمارند. ایشان با استناد به ادله‌ای همچون عرف و اجماع، تأسی به همه رفتارهای پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم جز افعال اختصاصی را لازم دانسته و بر عمومیت آیه شریفه «لقد کان لکم فی رسول الله أسوه حسنه» نسبت به همه مصادیق زندگانی رسول خدا تأکید ورزیدند.

بر این اساس، دامنه کارآمدی رویکرد الگومدارانه نسبت به دیگر رویکردهای سیره‌پژوهی افزایش داشته و سهم بیشتری در مطالعات سیره اهل بیت علیهم‌السلام دارد. به‌ویژه آن‌که بر پایه تتبع صورت‌گرفته،

بیشتر روایات سیره اهل بیت علیهم‌السلام حاوی آموزه‌های اخلاقی، تربیتی، اجتماعی، مدیریتی، نظامی و مانند اینهاست (محمدی ری شهری، ۱۳۹۴: ۲۵۳/۶، ۲۱۷/۲، ۴۷۱/۳، ۲۶۱/۴، ۲۵۳/۶) و طبیعتاً برای طیف گسترده‌ای از مخاطبان رهنمود دارد.

### نتیجه

رویکرد الگومدارانه به سیره اهل بیت علیهم‌السلام، نگره‌ای است که با هدف شناخت روش صحیح زیستن به بررسی سیره اهل بیت علیهم‌السلام می‌پردازد. بررسی رویکرد الگومدارانه به جهت تبار و پیشینه تاریخی نشان می‌دهد که این رویکرد سه مرحله تأسیس، تبیین و توسعه را پشت سر گذاشته است. تأسیس و پیدایش در قرآن کریم، تبیین و تشریح توسط عترت و توسعه و ترویج به وسیله محدثان و محققان انجام شده است. رویکرد الگومدارانه در دو بخش مفهوم سیره و قلمرو سیره‌پژوهی اثربخشی دارد. در بخش اول این رویکرد موجب تحدید مفهومی سیره به رفتار روشمند مستمر می‌شود و در بخش دوم، قلمرو مطالعات سیره را به همه شئون و مراتب زندگانی معصوم بسط می‌دهد.

## منابع

- ابن سیده، علی بن اسماعیل (۱۴۲۱)، المحکم و المحيط الأعظم، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ابن فارس، احمد (۱۴۰۴)، معجم مقاییس اللغة، قم، مکتب الإعلام الإسلامی.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲)، الخصال، تهران، نشر جاویدان.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۶۳)، من لا یحضره الفقیه، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه النشر الإسلامی.
- \_\_\_\_\_ (بی تا)، عیون أخبار الرضا علیه السلام، تهران، نشر جهان.
- ابومخنف، لوط بن یحیی (۱۴۱۷)، وقعة الطف، قم، مؤسسه النشر الإسلامی.
- برقی، احمد بن محمد (بی تا)، المحاسن، تصحیح جلال الدین محدث، قم، دار الکتب الإسلامیه.
- بنی عصار، امیر و مهدی مردانی (۱۳۹۳)، «مقایسه و تحلیل مواجهه رسول اکرم و امیر مومنان با منافقان»، حدیث حوزه، سال چهارم، شماره ۹، پاییز و زمستان.
- ثقفی، ابراهیم بن محمد (۱۳۹۵)، الغارات، تصحیح جلال الدین محدث، تهران، انجمن آثار ملی.
- حجتی، سید محمدباقر (۱۳۷۱)، سیری در سیره نویسی، مشهد، کنگره جهانی امام رضا علیه السلام.
- حسینیان، حامد (۱۳۹۳)، «سیره پویا؛ چالش‌های فراروی عمل به سیره و راه برون رفت از آن»، تاریخ اسلام، سال پانزدهم، شماره ۵۸، تابستان.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۳)، سیره نبوی (منطق عملی) (ج ۱-۴)، تهران، انتشارات دریا.
- دلیری، کاظم (۱۳۹۲)، درآمدی بر سبک بندگی (اعتدال عبادی در سیره معصومان)، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- شریف رضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴)، نهج البلاغة، تصحیح صبحی صالح، قم، مؤسسه دار الهجرة.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۶)، سنن النبی، قم، مؤسسه النشر الإسلامی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۵۲)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- طباطبایی، محمدکاظم (۱۳۹۴ش)، «قواعد استنباط از سیره نبوی»، سیره پیامبر خاتم، قم، دارالحدیث.
- طباطبایی، محمدکاظم و حسن حکیم (۱۳۹۴)، «مفهوم شناسی و نسبت سنجی دو اصطلاح حدیث و سنت»، حدیث حوزه، سال پنجم، شماره ۱۱، پاییز و زمستان.
- طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۷۰)، مکارم الأخلاق، قم، الشریف الرضی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۸)، مجمع البیان، بیروت، دار المعرفة.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۷)، العدة فی أصول الفقه، قم، محمد تقی علاقبندیان.

- \_\_\_\_\_ (۱۴۲۵)، الغيبة (شیخ طوسی)، قم، مؤسسة المعارف الإسلامية.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۶۵)، تهذیب الأحكام، تهران، دار الکتب الإسلامية.
- \_\_\_\_\_ (بی‌تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- \_\_\_\_\_ عالم زاده نوری، محمد (۱۳۹۱)، استنباط حکم اخلاقی از سیره و عمل معصوم، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- \_\_\_\_\_ علم الهدی، علی بن الحسین (۱۳۷۶)، الذریعة إلى أصول الشریعة، تهران، دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ.
- \_\_\_\_\_ غوری، عبدالماجد (۱۴۲۸)، معجم المصطلحات الحدیثیة، دمشق، دار ابن کثیر.
- \_\_\_\_\_ فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۵)، القاموس المحیط، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- \_\_\_\_\_ فیضی، محمد (۱۳۹۷)، سیره پژوهی (سلسله نشست های علمی گروه سیره معصومین)، تهران، پژوهشکده تاریخ اسلام.
- \_\_\_\_\_ فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴)، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، قم، موسسة دار الهجرة.
- \_\_\_\_\_ قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴)، تفسیر القمی، قم، دار الکتب.
- \_\_\_\_\_ کامیابی، محمدمهدی (۱۳۹۸)، الگوبرداری از معصومان (ع)، مفهوم‌شناسی تأسی و امکان‌سنجی، قم، بنیاد فرهنگی امامت.
- \_\_\_\_\_ کاویانی، محمد (۱۳۹۳)، «روش‌شناسی استخراج سبک زندگی از سیره اهل بیت»، سیاست متعالیه، سال دوم، شماره ۶، پاییز.
- \_\_\_\_\_ کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳)، الکافی، تصحیح علی‌اکبر غفاری، تهران، دار الکتب الإسلامية.
- \_\_\_\_\_ کهتری، محسن (۱۳۹۴)، رویکرد، <http://pishgam-pedia.rozblog.com/post/۱۶>
- \_\_\_\_\_ کوفی اهوازی، حسین بن سعید (۱۳۹۹)، الزهد، قم، المطبعة العلمية.
- \_\_\_\_\_ مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۸)، بحار الأنوار، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۲۴)، حلیة المتقین، قم، ذوی القربی.
- \_\_\_\_\_ محمدی ری شهری، محمد (۱۳۹۴)، سیره پیامبر خاتم، قم، دار الحدیث.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۷)، شناخت نامه حدیث (ج ۱-۳)، قم، دار الحدیث.
- \_\_\_\_\_ مردانی گلستانی، مهدی (۱۳۹۸)، توسعه استنباط از فعل معصوم، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۰۱)، عصری سازی افعال پیامبر (ص): مبانی، مراحل و نمونه‌ها، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

- مطهری، مرتضی (۱۳۹۳)، سیری در سیره نبوی، تهران، صدرا.
- مظفر، محمد رضا (بی‌تا)، أصول الفقه، قم، اسماعیلیان.
- ملکیان، مصطفی (۱۳۸۰)، «روش‌شناسی در علوم سیاسی»، علوم سیاسی، سال چهارم، شماره ۱۴، تابستان.
- مهریزی، مهدی و غلامحسین میر (۱۳۹۳)، «قواعد شناسایی احادیث سیره نزد فریقین»، پژوهشنامه علوم حدیث تطبیقی، سال اول، شماره ۱، پاییز و زمستان.
- میرباقری، سید محمد مهدی (۱۳۹۸)، درآمدی بر رویکردهای فقه حکومتی، قم، تمدن نوین اسلامی.
- نراقی، مهدی (۱۳۸۸)، انیس المجتهدین فی علم الأصول، قم، بوستان کتاب قم.
- یعقوب زاده، هادی و دیگران (۱۳۹۶)، «تیین رویکردهای سیره نگاران امامیه به سیره پیامبر (ص) در قرون دوم تا چهارم هجری»، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، سال هشتم، شماره ۲۹، زمستان.
- یوسفی مقدم، محمدصادق (۱۳۹۸)، سبک زندگی اهل بیت (ع): ویژگی‌ها، حجیت، قلمرو، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- Noah Webster (1843), approach, Retrieved from [www.merriam-webster.com/dictionary/approach](http://www.merriam-webster.com/dictionary/approach)
- Oxford University (1884), approach, Retrieved from [www.oxfordlearnersdictionaries.com/definition/english/approach\\_1?q=approach](http://www.oxfordlearnersdictionaries.com/definition/english/approach_1?q=approach)
- Pearson Education (2014), approach, Retrieved from <https://www.ldoceonline.com/dictionary/approach>